خبر

مدیر کل هنرهای نمایشی به تماشای «تلفات» نشست

کاظم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی با حضور در تماشاخانه ایرانشهر به تماشای نمایش «تلفات» نوشته و کارگردانی علیرضا معروفی نشست. این نمایش که روایتی کمتر نقل‌شده از جنگ تحمیلی را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد، پیش از این نیز در تالار مولوی به صحنه رفته است. تلفات یک کمدی تلخ است که ماجراهای یک غسالخانه را در دوران جنگ تحمیلی نمایش می‌دهد و گرفتاری‌های کسانی را نمایش می‌دهد که زیر آتش جنگ باید اجساد شهدا و دیگر وفات‌یافتگان شهر را تحویل گرفته، شسته و به خاک بسپارند. نظری این نمایش را بیان هنرمندانه نویسنده نمایش برای شرح وقایع دوره‌ای سخت از تاریخ معاصر ایران و همچنین کاری دشوار و هوشمندانه توصیف کرد و گفت: طراحی و کارگردانی این نمایش توانست مخاطب را جذب کند و تاریخ شفاهی ظلمی که توسط یک فرد به جامعه انجام شده بود به خوبی بیان شد. این نوع نگاه و روایت، جذابیت و تازگی داشت. جوان‌هایی که در این نمایش حضور دارند، هیچ‌کدام تجربه جنگ و حضور منافقین و مسائلی که مقطعی در تاریخ شفاهی کشور اتفاق افتاده را ندارند و این مشکلات را تجربه و لمس نکرده‌اند اما دغدغه‌مند هستند و در فضایی خلاقانه این موضوع را ارائه داده‌اند.

گزارش

«جام جم» اشتراکات ایران و قزاقستان و ظرفیت‌های هدر رفته فرهنگی را بررسی می‌کند

احیای مشاهیر و قصه‌های کهن

رضا حسینی
گروه فرهنگ و هنر

در واپسین روزهای خرداد امسال قاسم ژومارت توکایف، رئیس جمهور قزاقستان سفری به ایران داشت و با مقام‌های سیاسی بلندپایه جمهوری اسلامی دیدار کرد. حاصل این سفر امضای ۹ سند همکاری در حوزه‌های مختلف بود که تفاهم‌نامه‌های فرهنگی را نیز در بر می‌گرفت.

از بین اسناد امضا شده، یادداشت تفاهم همکاری بین سازمان صدا و سیمای ایران و آژانس دولتی خبر قزاقستان به همراه برنامه مبادلات فرهنگی بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و وزارت فرهنگ و ورزش قزاقستان، دو تفاهم‌نامه‌ای بود که جنبه‌های فرهنگی را بازتاب می‌داد. به این ترتیب شرایط همکاری دوجانبه در زمینه تولید محصولات فرهنگی مشترک میان ایران و قزاقستان فراهم شد. حال باید دید این فرصت قرار است چگونه از حالت بالقوه به حالت بالفعل تبدیل شود. در این زمینه ظرفیت‌های متعددی وجود دارد که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد.

از جمله نقاط مشترک فرهنگی مردم ایران و قزاقستان گرامی داشتن جشن نوروز است. حتی ۶۲ سال ممنوعیت برگزاری نوروز توسط اتحاد جماهیر شوروی نتوانست مردم قزاقستان را از برگزاری این جشن باستانی باز دارد. در آداب و رسوم نوروزی مردم این کشور ظرفیت‌های قابل توجهی مشاهده می‌شود که به فرهنگ ما نیز نزدیک است و می‌توان از آن در تولید محصولات فرهنگی مختلف مانند کتاب (اعم از پژوهشی یا داستانی)، فیلم (مستند یا داستانی)، سریال و نمایش استفاده کرد. یکی از این موارد، قصه‌ها و افسانه‌های مرتبط با جشن نوروز است. در قزاقستان شب پیش از نوروز «شب قزیر» نام دارد. بر اساس افسانه‌ها در این شب پیرمردی به نام قزیراتا (پدر قزیر) که نمادی از گرما و روشنایی است در دشت‌های وسیع قزاقستان قدم می‌زند و به اطراف نظر می‌افکند. هنگام برخورد نگاه او به زمین، سنگ‌های بزرگ بلافاصله خرد می‌شوند و سوز و سرما از بین می‌رود. یکی از کارهای مهم قزیراتا در شب قزیر آب کردن سنگ آبی سمرقند است. امری که موجب فرا رسیدن بهار می‌شود. در واقع پدر قزیر شباهت فراوانی به شخصیت «عمو نوروز» در قصه‌های کهن ایرانی دارد. به کمک همکاری‌های مشترک فرهنگی می‌توان این دو شخصیت افسانه‌ای را در داستان‌های فانتزی جدید و به‌روز گرد هم آورد تا شانه به شانه یکدیگر به جنگ زمستان سرد و تاریک بروند و گرما و روشنایی بهار را برای مردم به ارمغان بیاورند. اگر کار حساب شده و قدرتمندی در این زمینه صورت گیرد، عمو نوروز و قزیراتا می‌توانند به نمادهای مشترک نوروز در نزد مردم ایران و قزاقستان تبدیل شوند و در قالب‌های گوناگون و متنوعی نظیر عروسک یا شخصیت‌های انیمیشنی به خانه‌های آنها بیایند. در واقع می‌توان همان تصویر نمادینی را از آنها ارائه کرد که مردم غرب از بابانوئل ارائه داده‌اند.

افسانه واپسین روزهای سال

یکی دیگر از باورهای قدیمی مردم قزاقستان که ریشه در تمدن سغد و قصه‌ها و افسانه‌های کهن مربوط به آن دارد، نبرد خیر و شر در روزهای پایانی سال است. در گذشته‌های دور ساکنان سرزمین فعلی قزاقستان باورهای مشترکی با ایرانیان داشتند و تقویم آنها به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم شده‌بود. پنج روز پایانی سال، که در ایران پنجه نامیده می‌شد، در این سرزمین اولی آرا نام داشت و مردم باید در این روزها احتیاط پیشه می‌کردند. به این دلیل که نبرد بین خیر و شر موجب نازک شدن مرز میان دنیای زندگان و مردگان می‌شد و ممکن بود اهالی این دو دنیا ناخواسته به دنیای دیگر وارد شوند. این قبیل قصه‌ها و افسانه‌ها سوژه مناسبی برای ساخت محصولات فرهنگی است و نباید اجازه داد به همین راحتی در گوشه‌ای خاک بخورند. گسست موجود میان مردم دو کشور موجب شده‌است بسیاری از اهالی ایران و قزاقستان از نقاط مشترک فرهنگی خود بی‌خبر باشند. به عنوان مثال شاید کمتر کسی بداند در موزه دولتی قزاقستان واقع در شهر آلماتی، نسخه‌ای نفیس از شاهنامه فردوسی به زبان جغتایی، نسخه‌ای نفیس و مصور از خمسه نظامی با قدمت بیش از ۵۰۰ سال و نسخه‌ای خطی از قرآن مربوط به قرن ششم قمری که توسط کاتبان ایرانی کتابت شده‌است، نگهداری می‌شود. می‌توان با ایجاد تورهای گردشگری دوطرفه که از جذابیت‌های تفریحی برخوردارند، شرایطی را فراهم آورد تا مردم دو کشور بتوانند با اشتراکات فرهنگی یکدیگر بیشتر آشنا شوند. اگر تلاشی برای از میان برداشتن این گسست فرهنگی صورت نگیرد، قطعا دیگران به جای ایران آن را پر خواهندکرد.

زنده کردن مشاهیر تاریخی

بخشی از فرهنگ مشترک مردم ایران و قزاقستان در مشاهیر و شخصیت‌های تاریخی خلاصه شده است؛ یعنی کسانی که مردم هر دو سرزمین به آنها احترام می‌گذارند. برخی از این اشخاص شهرت بیشتری نسبت به دیگران دارند و نام آنها برای مردم آشناتر است. فارابی را می‌توان در ردیف همین دسته از افراد قرار داد. او که اکنون به عنوان یکی از نخستین فیلسوفان ایرانی پس از اسلام شناخته می‌شود، بنابر برخی روایات در شهر اترار که اکنون درون مرزهای قزاقستان قرار دارد، متولد شد. از همین رو فارابی نزد مردم این کشور جایگاهی بلند دارد و حتی تصویر او روی اسکناس‌های قزاقستان نیز مشاهده می‌شود. بازتاب ابعاد مختلف زندگی این مشاهیر در قالب محصولات فرهنگی، فرصت مناسبی برای همکاری‌های مشترک فراهم می‌کند. در کنار فارابی که فرد کاملا شناخته شده‌ای است می‌توان به افراد کمتر شناخته شده‌ای نظیر شاکریم خدابردیف اشاره کرد. البته او در قزاقستان شناخته شده‌است و شاید در ایران تا حدی گمنام باشد. خدابردیف که علاوه بر سیاست دستی هم در هنر و ادبیات داشت به تاریخ و فرهنگ ایران به خصوص زبان فارسی بسیار دلبسته بود و به عنوان یکی از کارهای ماندگار خود اشعار حافظ را به زبان قزاقی ترجمه کرد. بخش‌های مختلف زندگی این چهره سرشناس قزاق سوژه مناسبی برای خلق آثار مکتوب نظیر رمان و آثار تصویری مانند سریال یا فیلم‌های داستانی و مستند است.

به ویژه آن‌که خدابردیف در جنبش استقلال‌طلبانه آلاش به رهبری علیخان بوکیخان نیز شرکت داشت و این بخش از زندگی او بار دراماتیک فراوانی برای به تصویر کشیده شدن در برابر دیدگان مخاطبان سینما و تلویزیون دارد. مسلما ساخت محصولات فرهنگی بر اساس زندگی این مشاهیر بسیار بهتر از تولید آثار جعلی و بی‌هویتی نظیر فیلم تومیریس است. در مجموع مواردی که در مطلب پیش رو به آن اشاره شد تنها بخشی از ظرفیت‌های فرهنگی مردم ایران و قزاقستان است که می‌توان از آن برای همکاری‌های مشترک بهره گرفت.

نکته

همکاری فرهنگی با اقتضائات سیاسی

حدود سه سال قبل فیلمی به نام «تومیریس» به کارگردانی آکان ساتایف در قزاقستان ساخته و اکران شد که آلیا نظربایف، دختر رئیس جمهور سابق قزاقستان یعنی نورسلطان نظربایف تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار آن بود.

این فیلم پرخرج که اتکای چندانی به رخدادهای واقعی تاریخ نداشت و تصویر ناخوشایندی از کوروش هخامنشی و ایرانیان ارائه کرده بود، در قزاقستان چندان مورد استقبال تماشاچیان و منتقدان قرار نگرفت و حتی نتوانست نماینده این کشور در مراسم اسکار باشد.

ساخته شدن چنین فیلم‌هایی بر دو نکته مهم تاکید می‌کند. نخست آن‌که اگر پای مقاصد سیاسی در میان باشد عده‌ای حاضر به سرمایه‌گذاری کلان برای ساخت آثار سینمایی یا تلویزیونی هستند. و دوم این‌که اگر ما پای خود را از تولید محصولات فرهنگی کنار بکشیم، دیگران جایمان را پر خواهندکرد و نتیجه نهایی ارائه تصویری نادرست از تاریخ و فرهنگ ما خواهدبود. با اندکی درایت می‌توان این سرمایه‌ها را جذب کرد و به تولید محصولات مشترک سینمایی و تلویزیونی با هنرمندان اهل قزاقستان اقدام کرد.

تولیداتی که بر مبنای فرهنگ مشترک مردم این دو سرزمین ساخته شده‌باشند و درصورت برخورداری از قدرت و جذابیت لازم به طور حتم مورد استقبال آنها قرار خواهندگرفت.

سکانس ماندگار

قهرمانی روی تشک سینما

امروز زادروز لینو ونتورا، بازیگر نامدار سینمای جهان است

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

اگر آن مصدومیت بدموقع پیش نمی‌آمد، شاید آنجلینو جوزفه پاسکواله ونتورا ۳۱ ساله روی سکوی کشتی فرنگی قهرمانی اروپا در سال ۱۹۵۱ می‌ایستاد اما بخت با ما و احتمالا با خودش یار بود که در تغییرمسیری تقدیری پایش از تشک کشتی به خاک سینما باز شد و نقش‌های درخشانی را به یادگار گذاشت. یکی دو عکس سیاه و سفید و رنگ و رورفته‌اش از دوران ورزش حرفه‌ای، کجا با قدر و قیمت انبوه نقش‌های خوش‌تراشش برابر است و اگر هم جذابیتی در آنهاست به دلیل محبوبیت و جایگاه او در سینما و بازیگری است و تا حدودی کنجکاوی ما را از گذشته و دوران ماقبل سینمایش برطرف می‌کند. لینو ونتورا، با آن هیکل تنومندی که ماحصل ورزش و قبل از آن کارگری و مکانیکی بود از همان اوایل حضورش در سینما به شمایل و پرسونای غریب و بی‌نظیری تبدیل شد و ویژگی‌های فیزیکی و البته چهره خاص و صورت پهناورش که با آن چیدمان چشمان نافذ و تیزبین و ابروان رو به بالا به بوفی شش‌دانگ و بیدار می‌مانست، با درک و دانایی و شم بازیگری هم مسلح می‌شد و عمق و غنای عجیبی به شخصیت‌ها می‌بخشید. نقش ژان والژان در بینوایان را بازیگران زیادی در دنیا بازی کردند اما شاید چهره ونتورا در نسخه ۱۹۸۲ ساخته روبر حسین (کارگردان فرانسوی و ایرانی تبار) بیشتر از بقیه قهرمان قصه ویکتور هوگو را مجسم می‌کرد و به‌طرز جالبی شبیه‌ترین بازیگر به این شخصیت در کارتون خاطره‌انگیز ژاپنی‌ها در سال ۱۹۷۹ بود.

ونتورا با وجود ملیت ایتالیایی، بیشتر به‌عنوان یکی از ستاره‌های مرد سینمای فرانسه در جهان شناخته می‌شد و تقریبا بیشتر آثار درخشان کارنامه‌اش، ساخته فیلمسازان فرانسوی بود. با وجود انبوهی بازی‌های خوب، شاید مخاطبان سینما لینو ونتورا را بیش از هر چیز با نقش فیلیپ گاربیه در فیلم ارتش سایه‌ها به کارگردانی ژان‌پیر ملویل محصول سال ۱۹۶۹ به یاد بیاورند؛ شخصیتی که یکی از سردمداران مبارزه نیروهای مقاومت زیرزمینی فرانسه علیه نازی‌هاست. بازی و مکث‌های درست و نگاه نافذ و تاثیرگذار ونتورا نقش و شخصیت را چند پله ارتقا می‌دهد و با هنرمندی، کاراکتر و کل اثر را از بیانیه‌های سیاسی و فضای شعاری و کلیشه‌ای دور می‌کند. روایت ۱۴۵ دقیقه‌ای ارتش سایه‌ها، صحنه‌ها و سکانس‌های به‌یادماندنی زیادی دارد اما قطعا یکی از مشهورترین و جذاب‌ترین آنها، سکانس «تیرباران محکومین» است که در یک راهرو انجام می‌شود. ماموران آلمانی در هر نوبت تیرباران، تعدادی محکوم را ردیف می‌کنند و به آنها دستور دویدن تا دیوار انتهای راهرو را می‌دهند و آنها را از پشت با گلوله می‌زنند. منتها ظاهرا این مجازات چندان هم بی‌رحمانه نیست و به گفته سردسته این ماموران یک شانس هم دارد؛ «هرکس زودتر برسه به دیوار با محکومین نوبت بعد تیرباروِن می‌شه» چه پاداش مخوف و چه تعلیق مرگباری. آیا پاهای فیلیپ توان دویدن و رسیدن به مقصد را دارد؟ شیوه بازیگری ونتورا اینجا هم کاربرد دارد و عمق و هیجان ماجرا را به اوج می‌رساند.

برای دیدن این سکانس کیوآرکد را اسکن کنید

رویداد

جشنواره تئاتر صاحبدلان آغاز شد

افتتاحیه دوازدهمین دوره سراسری و اولین دوره بین‌المللی تئاتر «صاحبدلان» سه‌شنبه شب ۲۱ تیر ساعت ۲۱ با حضور محمود سالاری معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجید زین‌العابدین مشاور وزیر فرهنگ و مدیرعامل بنیاد رودکی، کاظم نظری مدیرکل هنرهای نمایشی، محمود فرهنگ دبیر دوازدهمین دوره سراسری و اولین دوره بین‌المللی تئاتر صاحبدلان و تعدادی از هنرمندان در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر برگزار شد. مدیرکل هنرهای نمایشی در این مراسم گفت: امیدوارم در دوازدهمین دوره سراسری و اولین دوره بین‌المللی تئاتر صاحبدلان شاهد نمایش‌های ارزشمند و ایمانی باشیم. نگاه ما و نگاه همه هنرمندان این است که در این جشنواره اتفاقات خوبی در حوزه مسائل دینی و اعتقادی بیفتد و باشکوه‌تر از سال‌های قبل برگزار شود. وی افزود: در بخش نمایشنامه‌نویسی و بین‌الملل نیز امید داریم تا با همت آقای محمود فرهنگ، شاهد تولیدات مطلوب و شرکت گروه‌های ایمانی خوبی از کشورهای مختلف باشیم. از آنجاکه گروه‌های بین‌الملل در مباحث زیباشناسی، تکنیکال و اجرا جایگاه و سبک و سیاق ویژه خود را دارا هستند؛ حضور آنها باعث تبادل هنری و فرهنگی خواهد شد.

همچنین محمود سالاری، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: اگر صاحبدلان بتواند از تمام کسانی که در جامعه به هنر تئاتر دل باخته‌اند، دلبری کند در مسیر خود موفق خواهد شد وگرنه صاحبدلان یک طرف می‌ماند و جریان تئاتر یک طرف دیگر. همان‌طور که در روز رونمایی از پوستر هم بیان کردم، امیدوارم صاحبدلان از این رویداد به یک روند نمایشی برسد.

او عنوان کرد: وجه مشترک این رویدادها با جریان تئاتر، همان تئاتر به معنی درام و خلق دراماتیک رویداد است. این خلق دراماتیک رویداد اگر در صاحبدلان اتفاق بیفتد، می‌تواند کارایی داشته باشد و برای بقیه جریان تئاتر تأثیرگذار باشد. امیدوارم روند و تاثیر صاحبدلان را در جشنواره تئاتر کودک، جشنواره بین‌المللی فجر و جشنواره آیینی و سنتی ببینیم.

معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان گفت: روند صاحبدلان باید سرچشمه جریان تئاتر کشور شود، چراکه دین یعنی متر و معیار و برای تشخیص خوب و بد. صاحبدلان به عنوان تئاتر دینی باید معیار نشان دهد و اگر بتواند این معیارها را دقیق‌تر به مخاطب ارائه کند، موفق خواهد بود. محمود فرهنگ نیز در این مراسم اعلام کرد که رویداد صاحبدلان از تیرماه آغاز می‌شود و تا دی‌ماه ادامه دارد. به همین دلیل ارائه و ارقام درباره هرکدام از بخش‌ها باید نزدیک به زمان برگزاری آن انجام شود. / فارس

شنیدنی

یادی از بزرگان موسیقی

ارکستر سازهای ایرانی بنیاد رودکی به سرپرستی حامد فکوری و ارکستر ملی ایران به رهبری نصیر حیدریان کنسرت «شبی با بزرگان موسیقی ایران» را امشب و فرداشب ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه در تالار وحدت اجرا می‌کنند. این گروه به خوانندگی اشکان کمانگری به اجرای قطعاتی از غلامحسین بیگجه‌خانی و پرویز مشکاتیان می‌پردازند. همچنین ارکستر ملی ایران در نخستین اجرای تابستانی خود آثاری از احمد پژمان، مهران روحانی را به رهبری نصیر حیدریان اجرا می‌کند. بخش اول این کنسرت به اجرای آثار استاد غلامحسین بیگجه‌خانی از جمله پیش‌درآمد افشاری، چهارمضراب عراق، رنگ افشاری، ضربی بر اساس گرایلی و رنگ دشتی اختصاص دارد. بخش دوم به اجرای قطعات مقدمه بیداد، دو نوازی سنتور و نی، تصنیف محبوب من وطن، قطعه چوپانی، ساز و آواز / شعر شفیعی کدکنی، تصنیف لحظه دیدار / شعر مهدی اخوان ثالث و تنظیم حامد فکوری اختصاص دارد که همه قطعات از ساخته‌های مشکاتیان است.

راش

فیلمبرداری «زنگ آخر» تمام شد

فیلمبرداری فیلم سینمایی «زنگ آخر» به کارگردانی شهرام عبدلی و تهیه‌کنندگی اشکان حاج‌حسن در تهران به پایان رسید.

روابط عمومی این فیلم خبر داد زنگ آخر در حال حاضر در مرحله تدوین است و به‌زودی آماده نمایش می‌شود. زنگ آخر که یکی از متقاضیان حضور در جشنواره فیلم کودک و نوجوان سال جاری خواهد بود، روایتگر قصه پسر بچه‌ای است که در کودکی از مادربزرگ خود خاطرات شیرین و خوبی دارد اما پس از مدتی بی‌خبری از مادربزرگ، سعی دارد به کمک دوستش او را پیدا کند. نیلوفر شهیدی، مینا جعفرزاده، حسن اسدی، سامان گوران، علی عطایی، داراب آقاسی‌زاده، اشکان حاج‌حسنی، الهه زحمتی، روناک ارجمند، شهرام عبدلی، مانیاد عظیمی‌فر و آرتین عبدلی از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

رسول خدابنده‌لو، مدیر تصویربرداری این فیلم است و صدابرداری آن را مسعود شاهوردی برعهده دارد. بابک شعاعی طراح گریم این فیلم را برعهده دارد و نازی پرتوزاده، طراحی صحنه و لباس را انجام می‌دهد.

روزنما

فانوس خیال

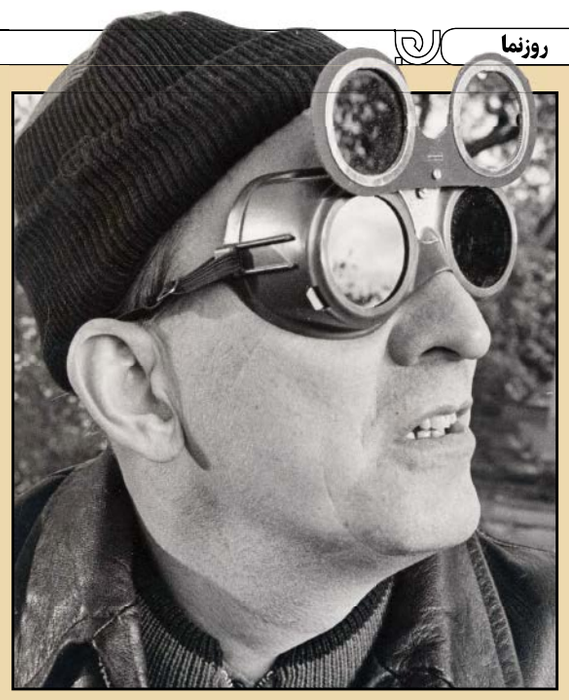

جمله‌ای کلیشه‌ای وجود دارد که می‌گوید هنرمند آن‌گونه می‌بیند که دیگران نمی‌بینند. اینگمار برگمان هم در این عکس با عینک مخصوص موتورسیکلت‌سواری در پشت صحنه فیلم «تماس» محصول ۱۹۷۱ و در خوانشی شوخ‌طبعانه انگار این جمله را تعبیر کرده است اما او واقعا در همه سال‌های فعالیتش در نویسندگی و کارگردانی طوری می‌دید که دیگران نمی‌دیدند. این فیلمساز بزرگ و فقید تاریخ سینمای جهان که سال ۱۹۱۸ و در چنین روزی به دنیا آمد، با شیوه‌ای ظریف، هنرمندانه و تاثیرگذار، رویاها و کابوس‌هایش را از دنیای شخصی‌اش به فضایی گسترده و جهانشمول تعمیم می‌داد و آثار درخشانی خلق می‌کرد. توت‌فرنگی‌های وحشی، فانی و الکساندر، مهر هفتم، فریادها و نجواها، سکوت، پرسونا و نور زمستانی از مشهورترین آثار برگمان هستند. او که بر فیلمسازان زیادی تاثیر گذاشت، کارگردان محبوب وودی آلن هم است. آلن زمانی درباره او گفته بود، اگر نتوانم در کیفیت به پای کارهای برگمان برسم، سعی می‌کنم در کمیت به پایش برسم که ضمن تایید بزرگی برگمان، مزاحی درباره پرکاری همیشگی این فیلمساز سوئدی هم است. برای شناخت دقیق‌تر برگمان و آشنایی با سینمای این کارگردان، مطالعه کتاب‌های رویا- پناهگاه و فانوس خیال (هر دو به کوشش مسعود فراستی) پیشنهاد می‌شود.